



The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 93

سری سوم، شماره 93

April 2021

فروردین 1400

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

Managing editor: Sharareh Rezaei  
Email: shararehrezaei.p@gmail.com

سر دبیر: مینو همتی

مدیر مسئول: شراره رضایی



مطالب

اطلاعیه سازمان رهایی زن در محکومیت قتل های ناموسی "قتل های ناموسی جنایت علیه بشریت"

میزگرد سازمان رهایی زن به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن با فعالین حقوق زنان دیانا نامی، فریبا رشیدی و سحر صامت

"انزجار من از این وسیله قدرت نامحدود است" برگردان نوشته از وریا نقشبندی

مصاحبه تلویزیونی برابری با شراره رضایی با موضوع "اهداف رژیم اسلامی از فشار بر زندانیان سیاسی چیست؟"

حکومت جمهوری اسلامی ایران، گنبد دیگر! نوری شریفی

گزارش از فریبا رشیدی مراسم 8 مارس نروژ (فارسی-نروژی) فریبا رشیدی

نوال سعداوی، مبارز برجسته حقوق زنان مصر درگذشت

گورستان زنان گمنام: تراژدی قتل و ناموس گزارشی از: مهیندخت مصباح

آشکارسازی (برون آبی) شیوا مقدم

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، شنبه ۲۰ مارس، ۲۹ اسفند فرامتی را تصویب کرد که براساس آن عضویت در معاهده بین المللی خشونت علیه زنان را لغو می کند

متن پیام تبریک اسرین درکاله به مناسبت 8 مارس ندای زنان

متن پیام تبریک ناهید شقاقی به مناسبت 8 مارس ندای زنان

متن پیام تبریک اکرم نصیریان به مناسبت 8 مارس ندای زنان

متن پیام تبریک مریم محمدی به مناسبت 8 مارس ندای زنان

گزارش هایی از مراسم 8 مارس در شهرها مختلف ایران و دیگر کشورها همراه با تصویر

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو نشریه



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.  
Markazi@RahaiZan.org

اطلاعیه سازمان رهایی زن

**قتل ناموسی جنایت علیه بشریت**

گورستان زنان گمنام سلیمانیه کردستان عراق نوک کوه یخی از جنایتی نابخشودنی از قربانیان قتل‌های ناموسی که در دل تاریخ بی فرهنگی حاکم بر جامعه سنتی، و مذهب زده نمایان شده و وجدان هر آنکس که خود را انسان میداند را به چالش میکشد. مسلماً ما هم به‌همراه هزاران فعال حقوق بشر، مدافعین حقوق زنان این جنایات را شدیداً محکوم میکنیم و خواهان پیگرد قضائی قاتلین هستیم. ولی این محکوم کردنها تا زمانی که توازن قوا را در هر کوی و برزن و هر خانواده و طایفه علیه این توحش برنگرداند و مانع بازتولید این تراژدیهای انسانی نشود پیشیزی ارزش ندارد زیرا که مانع وقوع قتل ناموسی بعدی نخواهد شد.

برای بتاریخ سپردن وحشیانه ترین تبلور مردسالارانه نیازمند برپائی یک جنبش همگانی و جنگیدن با این پدیده عصر جاهلیت در همه جبهه ها هستیم. بنظر ما، روزگار ابراهیم وکیل دادگستری که پیگیر قتل هزاران زن مدفون در گورستان سیوان سلیمانیه شده است خواسته یا ناخواسته پیشگام پیدایش جنبش برای پایان دادن به این جنایات شده است. ما به تمامی فعالین حقوق زنان و کودکان، و فعالین حقوق بشر، ژورنالیستهای مترقی و انساندوست در محل و سراسر جهان و بخصوص کادر آموزش و پرورش فراخوان میدهیم به مفاد پیشنهادی ما توجه نمایند و خود بنا به توازن قوای محلی و منطقه ای این هیولای متعفن را به مصاف بطلبند.

پرچم مبارزه با این پدیده باید همزمان در سه جبهه رسانه ای، قضائی، و آموزش و پرورش برافراشته شود.

ژورنالیستهای با شرافت و انساندوست در صف مقدم افشای این جنایات، امرین و عاملین، و مقاماتی که با سکوت خود به تداوم این تراژدیها یاری رسانده اند، قرار دارند. باید وجدان خفته انسانهای متمدن آن جامعه را بیدار کرد و باید در هر روزنامه، رادیو و تلویزیون و س.سیال میدیا، انگیزه متحجرانه این قتلها به چالش کشیده شود و این نشان شرمساری که بر پیشانی مردمان شهری که بی تفاوت از کنار این جنایات میگذرند نمایان شود تا برای پاک کردن آن تلاش کنند.

تماس مستقیم با وکلای با شرافت دادگستریها برای تشکیل کمیته های حقیقت یاب و تشکیل پرونده برای کلیه افراد دخیل در تصمیمگیری، تدارک و قتل زنان و کودکان، پیگرد قانونی مقاماتی که این جنایت در حوزه مسئولیت آنان اتفاق افتاده و ماجرا را به سکوت برگزار کرده اند، اعم از شهردار، رئیس پلیس و امنیت شهروندان، مسئولین قضائی سلیمانیه.

کادر آموزشی اعم از مدیر و معلم و استاد با طرح موضوع گورستان زنان گمنام به اقتضای سن دانش آموزان، ساعاتی از کلاس را به آگاهگری در مورد سموم ایده و افکار متحجرانه و عقب افتاده که منجر به این جنایات شده اند به پردازند.

در واقع وظیفه نهاد آموزش و پرورش در شکستن مدار بسته تولید و بازتولید قربانی و قاتل در پدیده قتل‌های ناموسی بسیار سنگینتر است و از همان کلاس اول دبستان به‌همراه جلسات آموزشی خانه و مدرسه باید با تدبیر و ابتکار، دانش آموزان خود را از این سموم ذهنی و جنایت آفرین، مصون بدارند.

**مردان و زنان آزادیخواهی و برابری طلب یکصدا فریاد میزنیم**

**قتل ناموسی همچون جنایت علیه بشریت شرم آور و محکوم است!**

**سازمان رهایی زن**

بیست و نهم ماه مارس دو هزار و بیست یک

میز گرد سازمان رهایی زن به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن

با فعالین حقوق زنان دیانا نامی، فریبا رشیدی و سحر صامت



خبرهایی که به من رسیده بود، من هم گفتم باید جریان را به پلیس بگم، از دوستم خواستم که برام ترجمه کند، بعد به پلیس زنگ زدم و تمام جریان را تعریف کردم، ولی پلیس به من گفت خانم این به ما ربطی نداره و در کردستان عراق و اونجا بهش شلیک کردن و کشتنش. من هم گفتم آخر سوفیا شهروند بریتانیای داره چطور میشود شما رسیدگی نکنید ولی باز دوباره آنها حرف خودشان را میزدند که به ما ربطی نداره و این کلتور(فرهنگ) و قانون شماست. من از شنیدن این حرفها بیشتر ناراحت میشدم یعنی چه اینجا اروپا است یک نفر کشته شده و شوهرش دراد در اروپا راحت زندگی میکنه، ولی پلیس دوباره حرف خودش را میزد که به ما ربطی نداره و فرهنگ شماست ما هم به فرهنگ شما احترام میزاریم وگرنه به ما میگوید راسیست! خداحافظی کرد گوشی را گذاشت.

از آنموقع به بعد من تصمیم گرفتم یک سازمانی را در اینجا بزاریم برای حمایت از زنان خارجی و زنانی مثل سوفیا کمک کنیم، از زنانی که به حق و حقوق خودشان آشنا نیستند، و از جایی آمدیم که هیچ حقی نداشتیم و همیشه مورد خشونت قرار گرفته ایم و اعتماد به نفسمان پایین است و همچنین اگر مشکلی برایمان پیش میاید پلیس به ما میگه این مشکل فرهنگ شماست و ما به این فرهنگ شما احترام میزاریم، در نتیجه برای جان و زندگی ما اهمیتی نمیدهند پس این فرهنگه که برآشون مهمه.

حرکت دوم من این بود که ما باید کمپینی راه بیندازیم که راجع به این موضوع بتوانیم آگاهی و روشنگری بکنیم که باید در قانون بریتانیا ثبت شود کسی که اینجوری کشته میشه به خاطر فرهنگ یا قتل ناموسی باید مجازات شود. و خوشبختانه این کار را کردیم حالا در بریتانیا قتل ناموسی مجازات سنگینی دارد کسی که مرتکب این جنایت میشه و کسانی هم که همدست میشن با این جنایت. و خیلی از سازمانها این قانون را قبول کردند، سازمانها و خانه های امنی را گذاشتن برای کسانی که در خطر قتل ناموسی هستند. و همچنین ازدواج اجباری را موفق شدیم جزء قانون کنیم و مجازات داشته باشد در سال ۲۰۱۵ موفق شدیم که خانه های امنی برای زنانی که در خیر قتل ناموسی، ازدواج اجباری و ختنه زنان هستش بزاریم. خلاصه اینکه موفق شدیم به انجام چندین پروژه و همین جوری ادامه میدهیم، وقت کم هستش شاید نتونم همه را یک به یک تعریف کنم، وقت را به دوستان و مهمانان برنامه میدهم.

ما هم به نوبه خودمان در انگلستان فعالیتهایی داشته ایم که تاثیر بسزایی داشته. من تازه به بریتانیا آمده بودم و دخترم ۵ سال داشت و لازم بود در مدرسه ثبت نام بشود، چون من زبان اینگلیسی بلد نبودم قادر به انجام کارهای روزمره نبودم، و برای من یک مترجم گرفتن، به اسم سوفیا، او یک دختر مهربان شیرین و سرزنده ای بود، چند روز با ما به مدرسه آمد و خیلی دقیق و وظیفه شناس بود، او سعی میکرد آمد و خیلی با ما مهربان بود و احساس نزدیکی میکرد که بتواند ما را با قوانین و مسائل مدرسه آشنا کند، ما دو روز با هم به مدرسه میرفتیم. روز سوم من در مدرسه با سوفیا قرار داشتم ولی او نیامد و خیلی منتظر شدم ولی نیامد، من نگران شدم و می گفتم چرا نیامد ایا اتفاقی برای او افتاده است؟ به خانه رفتم و به محل کارش زنگ زدم گفتم با سوفیا کار دارم، ولی آنها به من گفتن سوفیا فوت شده، من از شنیدن این خبر خیلی شوک شدم، چون او خیلی جوان بود و باور نمیکردم، فکر کردم او تصادف کرده چون در بریتانیا ترافیک و تصادف زیاد است. از اداره شون پرسیدم با ماشین تصادف کرده. گفتن نه، شوهرش او را به قتل رسانده و طی یک برنامه ریزی، شوهرش، سوفیا را از انگلستان برده کردستان عراق و اونجا بهش شلیک کردن. شوهرش فکر میکنه که بر اثر خونریزی مرده و او را در بیابانی رها می کند ولی مردم محلی او را پیدا می کنند و بهش کمک میکنند و او را به بیمارستان منتقل میکنند. بعد از اینکه زخمهای سوفیا خوب میشوند و کمی روبه بهبودی میره شوهرش برای بار دوم به او شلیک میکند و او را میکشد. شوهر سوفیا به انگلستان بر میگردد و زندگی میکند طبق

حفظ و تداوم اهداف جنبش رهایی زن در صف مقدم هشت مارس روز جهانی زن که در 1910 در کپنهاک توسط زنان سوسیالیست در دفاع از حقوق زنان و در مقابل تبعیض جنسیتی در تاریخ ثبت شد، کماکان از اهمیت بالایی برخوردار است. بخصوص در ایران و افغانستان اسلام زده و کردستان سنت زده که حقوق زنان در گسترده ترین شکل آن نقض میشود، مشعل این مبارزه از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود.

در برنامه امشب میزگردی با شرکت دیانا نامی فعال حقوق زنان، دبیر سازمان مدافع حقوق زنان ایران و کردستان در انگلیس، IKWRO

<https://youtu.be/5BOMioHEqwm>

سحر صامت فعال حقوق زنان و کودکان از افغانستان همکار از فعالین رهایی زن از گوتنبرگ سوئد و فریبا رشیدی از فعالین رهایی زن و مدافع حقوق زنان در نروژ خواهیم داشت تا مروری بر دستاوردهای مبارزات زنان در چهار دهه اخیر در داخل و خارج کشور داشته باشیم.

دیانا، سحر و فریبا، میهمانان عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

**مینو همتی:** سوال اولم را از دیانا نامی بپرسم، ضرورت تشکیل سازمان اکرو از چه ناشی میشد و دستاوردهای فعالیت شما و همکارانتان برای زنان بخصوص زنان مهاجر کشورهای اسلامزده چه بوده است؟

**دیانا نامی:** سلام مینو جان هشت مارس را به شما و مهمانان برنامه تبریک میگم و همچنین به تمام زنان جهان.

هشت مارس یک روز جهانی است و همه آزادیخواهان زنان و مردان و من از همه ی فعالین برابری طلب قدر دانی میکنم.

**مینو همتی:** فریبا رشیدی شما با فعالین نروژی مدافع حقوق زنان ارتباط تنگاتنگی دارید، تاکنون چه تغییراتی را در مورد وضعیت زنان مهاجری که مورد تعرض سنتهای مردسالارانه و متحجر کشور مادر هستند بوجود آمده.

**فریبا رشیدی:** من نیز به نوبه‌ی خودم ۸ مارس رو تبریک میگم به شما و تمام زنان جهان و همه آزادیخواهان. خوشحالم در این میزگرد با شما و دوستان عزیز نادیا نامی و سحر سامت هستم.

تا جایی من شنیدم و مطلع هستم در اسکانیدیناویا فعالین زنان و فمینیست ها خیلی به مسائل زنان اهمیت میدهند و در کارشان خیلی جدی هستند، مخصوصا نروژ. چندین بار پیش آمده که من در جلسات مدافع حقوق زنان یا در کمپین ۸ مارس حضور داشته ام به مشکلات زنان خارجی خیلی اهمیت دادن، و خانواده های مسلمانی که در اینجا زندگی میکنند که دخترانشان را مجبور به حجاب و پوشش اسلامی میکنند و همچنین روزه گرفتن دختر بچه ها، و ناقص سازی دختران، و قتل ناموسی. همانطور که من چندین بار با شما صحبت کرده ام در مورد قتل‌های ناموسی در نروژ که از طرف خارجی ها، ایرانیان و کوردها و افغانی ها رو داده است متأسفانه زنان دوباره در اینجا هم مورد هجوم و خشونت و قتل ناموسی قرار میگیرند در صورتی که از همان سیستم زن ستیز اسلامی رانده شده اند و دوباره همینجا اروپا گریبانگیر آنها میشود. نکته قابل توجه این است که زنان خارجی یا همین زنان رانده شده از کشور خودشان، نسبت به مسائل و مشکلاتی که در داخل خانه با شوهر یا خانواده یا پدر و برادر که نسبت به آنها عمل خشونت، ضرب و شتم یا خشونت کلامی و کلا هرگونه خشونت فیزیکی، اینها را جدی نمیگیرند و به این جور اعمال و پدیده عادت کرده اند و راحت از کنارش میگذرند، زمانی هم زنان با این جور مشکل‌ها پیش پلیس شکایت میکنند، پلیس هم آنها را جدی نمیگیرد و دیدگاه پلیس این است که اینها یک نوع فرهنگ است در بین خارجیها و این پدیده عادی است، زمانی هم زنی قربانی قتل ناموسی میشود عدم نیاوری به همین برخوردهایی است که در خانواده ها و بیشتر بی توجهی زنان نسبت به مسائل خودشان هست. به طور مثال مردی که زن و یا دوست دختر خودش را تهدید کرده به کشتن یا قتل، اینها را از هم جدا کرده اند و زن را به خانه امن و جایی که در امنیت باشد با آدرس نامشخص که در امنیت باشد ولی بعد از مدتی اینها دوباره به هم می پیوندند و دوباره با هم

شناسم زنان فعالی را که با تلاش چندین ساله تا کنون نتوانسته اند حکم طلاق خود را به اجرا بگذارند یا که حضانت فرزند خود را بگیرند.

این موضوع درآورد نشان دهند ی فساد در سیستم حکومتداری و علاقه مردم به مردسالاری و سنتی نگه داشتن جامعه است. فساد زورسالاری در سیستم دولتی افغانستان هویدا است. زیربنای دولت مثلا با دموکراسی تهداب گذاری شده اما احزابی که در حق زنان افغانستان بدترین جفا ها را کرده اند فعلا در زمامداری دولت سهم دارند. نتیجتا زنان مبارز دار افغانستان همچنان با چنین افرادی روبرو هستند. جنگسالارانی که برای انتقام از حزب مخالف خود سینه زنان آنها را بریدند و در خیابان ها رها کردند، زنان حامله را در انظار مردم زایمان دادند و هزاران جنایت دیگر کردند. حالا همان افراد ماده های قانون اساسی تایید یا رد می کنند. یکی از مشکلات زنان فعال عدم

مصونیت جانی و اجتماعی است. به همین منوال دستاوردهایشان نیز مورد تهدید قرار میگیرد. یک نمونه بارز مصالحه دولت با گروه طالبان و تقسیم قدرت با آنهاست. مسلما با حضور گروه طالبان در صحنه سیاست افغانستان آن هم به صورت رسمی تهدیدی بسیار جدی و مهم برای حضور زنان در جامعه، دستاورد های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، هنری و ورزشی شان است.

امروزه دغدغه زنان فعال افغانستان حفظ دستاوردهای بیش از دو دهه شان و نجات آن از چنگ طالبان است.

اما با این همه تهدید باز هم فعالین حقوق زن سکوت را اختیار نکردند و از کوچکترین فرصت تا برای رشد، مطالبه و دادخواهی استفاده کردند. یک نمونه بارز مقاومت زنان در مقابل تصویب سن ازدواج دختران در ۱۳ الی ۱۶ سالگی بود. فعالین کمپین هایی را به راه انداختند و یادآوری کردند به نمایندگان مجلس که مخالف سن رسمی ۱۸ سال برای ازدواج بودند که خودشان نیز کودک آزاران و زنستیزانی بیش نیستند. فریاد زدند شماهایی که چندین زن اختیار کردید که در بین آنها ۱۱ سال و ۱۲ ساله هم وجود دارد با کودک دختر ازدواج کرده اید. شما بیمارانی بیش نیستید و طبیعی است که با سن قانونی ۱۸ سال برای ازدواج مخالف باشید.

**مینو همتی:** دیانا نامی شما در فعالیت هایتان برای جذب نیروهای جوان به مشارکت جدی در مبارزات حق طلبانه زنان چه ابتکارات و مکانیزم هایی را بکار میگیرید.

ادامه در صفحه ی 12

ارتباط خواهند داشت و به همین خاطر است که از طرف پلیس این کیس ها جدی گرفته نمی شوند. قتل و کشتن زنان در همه جا هست و حتی در میان اروپائی ها ولی به شیوه هایی که قتل ناموسی رو آنها نمیگذارند چون قتل ناموسی یا کلا کلمه ناموس بیشتر در میان مسلمانها رایج است. به نظر من، باید بیشتر روی مشکلات زنان کار کنیم و خودمان مشکلات را مورد بحث و بررسی قرار دهیم در بین احزاب و فعالین حقوق زنان در اروپا تا بتوانند به نوعی همصدا و پشتیبان ما زنان رانده باشند و درک کنند که زنان در یک سیستم زن ستیز اسلامی چه مشکلاتی را تحمل میکند و با چه مشکلاتی روبه رو هستند. مثل حجاب اجباری، قتل ناموسی، ختنه و ناقص سازی دختران، ازدواج اجباری. پس این است وظیفه ما که روشنگری کنیم و صدایمان را به همه برسانیم.

**مینو همتی:** سحر صامت تشکلات و سازمانهای مدافع حقوق کودکان و زنان در افغانستان که شما با فعالین آن ارتباطات نزدیک دارید، با در نظر گرفتن شرایط حاکم چه دستاوردهای مبارزاتی برای زنان داشته اند؟

**سحر صامت:** افغانستان یک منطقه کاملا سنتی، مذهبی و آمیخته در جنگ های چند دهه است. رو به پنج دهه جنگ را تجربه کرده که دودش در چشم زنان نیز رفته و آنها را به آسیب پذیر ترین قشر جامعه مبدل ساخته است. زنان حذف شدن از جامعه را به تدریج از زمان حضور مجاهدین تجربه کرده اند. اما در دوران حکومت طالبان زنان کاملا از پیکر جامعه حذف شدند. میتوان این دوره را به نام دوره سیاه برای زنان آن جامعه نامید. دورانی که زن هیچ حقی برای حضور در جامعه نداشت و با کوچکترین فعالیت حتی اقتصادی جان خود را از دست میداد.

حتی اگر زن فعالیتی در دوران طالبان داشت نه تنها جان خود را بلکه جان مردان فامیل خود را نیز به خطر می انداخت.

از زمان روی کار آمدن دولت پوشالی کرزای باری دیگر به زنان فرصت داده شد تا در جامعه عرض اندام کنند و تا به امروز که ۲۱ سال از دولت انتقالی میگذرد دستاوردهایی داشته باشند.

با تمام ادعای که حکومت انتقالی از دموکراسی و پررنگ شدن حضور زنان میکرد اما امروزه حتی زنانی که فعال حقوق مدنی و حقوق زنان هستند باز هم با چالش هایی روبرو هستند که باز هم بوی مردسالاری و کهنه فرهنگی را میدهد. می

"انزجار من از این وسیله قدرت نامحدود است"

برگردان نوشته از وریا نقشبندی  
(سوئدی به فارسی)



برگردان نوشته ای از وریا نقشبندی به زبان سوئدی در یکی از روزنامه های سوئد در مورد وضعیت نابرابر، تبعیض، خشونت و استثمار زنان.

در روزهای اخیر در این شهر، زنی در بیرون از خانه هنگام پیاده روی مورد تجاوز قرار گرفت. به همین بهانه در این نوشته به یکی از اشکال تعرض و خشونت علیه زنان که حتی در خود جوامع غربی به وفور رخ میدهد، اشاره شده است.

"انزجار من از این وسیله قدرت نامحدود است"

مطمناً برای شما هم اتفاق افتاده است که شما به عنوان يك مرد پشت یک زن تنها در يك پارک، یک کوچه یا یک مسیر تاریک قدم می زدید و صرف حضور شما باعث می شود او قدم هایش را سریع تر بردارد. یا اینکه گاهی به عقب یا اطراف خود نگاهی می اندازد تا اطمینانی حاصل کند یا شاید قدم هایش را آهسته تر میکند تا شما ازش عبور کنید. این هوشیاری مداوم برای اکثر زنان امری عادی است کما اینکه بسیاری از مردان نسبت به این امر بی تفاوت هستند. در این شرایط با خودمان فکر میکنیم که ما بی آزار بودیم و شاید کمی هم احساس آزردگی کنیم که چرا این زن از حضور ما چنین رفتاری از خود نشان میدهد. بدون یک لحظه فکر کردن در مورد ستمی که به زنان هر لحظه در زندگی شان روا میشود. یک کابوس، کابوسی در حالت بیداری برای زنان که خالق آن یک سیستم نابرابر و دمکراسی کج و معوج است و هیولا درون این کابوس مردان هستند.

از همان اوایل کودکی و نوجوانی به عنوان یک زن، باید روش هایی را برای محافظت از خود در برابر هر تعرض و سوء استفاده ای را یاد بگیرد. در چه مسیری باید گام بردارد و در موقعیتهای مختلف پاسخ های درخور با آن را داشته باشد. برای جلوگیری از مورد تعرض واقع نشدن، باید تمام خطرات و عوامل را در نظر بگیرد. همیشه یک قدم باید جلوتر باشد. بر همین اساس میبینیم که در ساختار و هنجارهای جامعه همیشه یک لیست طولانی از قوانین نانوشته برای زنان وجود دارد، دستورالعمل هایی که مرد نیازی به یادگیری آنها ندارد، زیرا خود دلیل وجود این قوانین از همان ابتدا است.

البته صحبت در مورد مبارزه زنان کمی شبیه این است که بگویید ما نسبت به شرایط دوران بارداری یا قاعدگی واقف هستیم، چیزی که فقط می بینیم اما نمی توانیم تجربه اش کنیم. توجهی که در آن می توانیم شانه خود را بالا بیندازیم تا از قبول مسئولیت خود در مورد موقعیت زنان در جامعه طفره برویم. شاید وقتی به عنوان یک "مرد" بنا بر تعریف امروزی از مرد) اگر تنها قدم بزنم، ترس از تنها بودن و مورد تجاوز یا تعرض واقع شدن را نتوان تجربه کنم، اما حداقل می توانم تصور کنم که چقدر دردناک است زندگی یک زن در محیط مردسالارانه دنیای امروز که حتی در خیابان و کوچه و پس کوچه هر لحظه میتواند مورد تعرض و خشونت قرار بگیرد.

اگر می خواهید سهمی درستم و استثمار نباشید، وقت آن است که به صفوف زنان و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب بپیوندید و دوش به دوش آنها برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر مبارزه کنید. ما انسانها سزاوار دنیای بهتری در اینجا و هم اکنون هستیم.

لینک نوشته روزنامه :

[https://www.e-pages.dk/stromstadtidning/1106/article/1321808/8/2/render/?token=69e4d74d88fc29ee94b1ccb539af64bb&v1\\_platform=ios&v1\\_app\\_id=se.stromstadtidning.ereader&v1\\_app\\_version=6.2.2&fbclid=IwAR037wpAU-RHvDPbkEzZMg10llewSEhmIt8OO-nWY8qcQgAOecHoPC3la4](https://www.e-pages.dk/stromstadtidning/1106/article/1321808/8/2/render/?token=69e4d74d88fc29ee94b1ccb539af64bb&v1_platform=ios&v1_app_id=se.stromstadtidning.ereader&v1_app_version=6.2.2&fbclid=IwAR037wpAU-RHvDPbkEzZMg10llewSEhmIt8OO-nWY8qcQgAOecHoPC3la4)

من از فرهنگی آمده ام که زنان با پشتیبانی از قوانین و مقررات به طور سیستماتیک مورد ستم قرار می گیرند. جایی که ظلم در جامعه عادی شده است.

اینجا در سوئد وقتی به آنها نگاه میکنیم وحشت زده به درست وحشت زده می شویم. با این فکر که زنان در فرهنگ این جامعه به آزادی و حقوق خود دست یافته اند. با این وجود، اختلاف زیادی در حقوق زنان و مردان مشاهده می کنیم. استرس و فرسودگی شغلی. چه کسی کار احساسی می کند؟ مسئول رتق و فتق زندگی روزمره، برنامه ریزی مهمانی کودکان و غذای مهمانی و جشن های مختلف. شما هستید یا شریک زندگی تان؟

بگذارید یک خاطره کوتاه از خودم بگویم. من در دوره ای در ایران زندانی و شکنجه شدم فقط به این دلیل که مخالف حاکمیت، قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه بودم. در آن زمان، ترس از تجاوز به طور

اهداف رژیم اسلامی از فشار بر زندانیان سیاسی چیست؟

مصاحبه شراره رضائی با تلویزیون برابری

قل و زنجیرشون کردن کسانی که در دستان خودشون اسیر هستند می ترسن و یکی از دلایل انتقال زندانیان همین هست.

و اینکه معمولا کسانی که به جای جدید منتقل می کنند به بهانه های کمبود جا بلا تکلیف در زندان می مانند. مثلا سعید اقبالی با انتقال به زندان رجایی شهر، مدتی در سلول انفرادی نگه داشته شد یا آتنا دائمی که به گفته ی خانواده ش، هنوز اسمش در لیست زندانیان وارد نشده و خیلی راحت می گن ما تعهدی در قبال جان کسانی که ثبت زندان نشدن نداریم و هم سعید و هم آتنا رو تهدید کردند که هیچ تضمینی برای حفاظت از جان آنها انجام نمی دهند. منظورم هدف دوم، فشار بیشتر روی زندانی و ایجاد ترس و رعب در دل خانواده و زندانی هست.

حکومت به خیال خودش با تشدید آزار زندانیان و خانواده ها، آنها رو می تونه وادار به سکوت و منفعل شدنشون کنه و از طرفی می خواد این وحشت را در دل زندانیان و خانواده ها بیندازه که اگر سکوت نکنن و سر تسلیم فرود نیارن. تضمینی هم برای زنده موندن عزیزانشان نیست و از این طریق می خواد هم خانواده و زندانی و هم جامعه رو به قول خودشون بترسونن و در رعب و وحشت نگه دارنند.

ولی ما دیدیم که آتنا بعد از انتقالش به زندان لاکان رشت، در پیمایی برای سران حکومتی گفت: عالیجنابان خودتون رو خسته نکنید و تاکید کرد که هرگز از مواضع خودش کناره نمی گیره و به جرم مرتکب نشده از هیچکس عذرخواهی نمی کنه. و گفت تا زمانی که زنده هستم، عدم استقلال در قوه قضائیه و ظلم و بی عدالتی را به گوش جهانیان خواهم رساند.

یا سپیده و تمام زندانیان، هرچه بیشتر بهشون فشار می یارن نه تنها خاموش نمی شن بلکه بیشتر از پیش، مقاومت تری می شن فریاد اعتراضشون را بلندتر می کنند.

مسلمانا، این رفتار حاکمان مستبد، بیشتر از آنکه باعث ترس یا عقب نشینی و سکوت زندانیان و مردم بشه، بیانگر ترس و وحشت از اعتراضات گسترده ی که در جامعه در جریان هست. از کارگران، معلمان،

پرستاران، زنان و همه ی جامعه و نشان از یک ناتوانی و بن بست سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و کلا باتلاقی که خود جمهوری اسلامی برای خودش ساخته در آن گرفتار شده و برای نجات خودش داره دست و پا می زنه و به هر ریسمانی چنگ می اندازه و حتما از هیچ جنایتی هم دریغ نمی کند. از فشار و شکنجه زندانیان، تا کشتار معترضین به گرانی و فقر در خیابان ها.



نزدیکی محل اقامت پدر و مادرش منتقل ش کنند تا حداقل رنج دوری مسافت رو نکشند. مریم اکبری منفرد از زندان اوین به زندان سمنان تبعید شد. ایشون در طی ۱۲ سال گذشته زندانی شدنش بدون یک روز مرخصی در حبس به سر میبرد.

گلرخ ابراهیمی ایرایی در بهمن ماه سال گذشته از زندان قرچک ورامین، به زندان امل تبعید شد. مژگان کشاورز، سپیده فهان و سکینه پروانه هم از جمله زندانیان سیاسی زن هستند که در ماه های آخر سال 99 از زندان اوین به زندان های قرچک، قوچان و امل منتقل شدند. یاسمن آریانی و مادرش منیره عربشاهی از زندان اوین به زندان کجویی کرج و سمانه نوروز مرادی به زندان لاکان رشت منتقل شد.

سعید اقبالی هم یکی از زندانی هست که از اوین به رجایی شهر کرج تبعید کردند که ماه ها با وجود پارگی هفتاد درصدی گوش و درد و عفونت شدید همچنان از امکانات پزشکی محروم هست و با این وضعیت جسمانی، سعید رو در انفرادی همراه با افرادی که محکوم به اعدام بودند نگه داشتند و بعد تهدید کردند که به بند جرایم عمومی منتقل می شه که مسئول حفظ جان و سلامت او نیستند.

طبیعتا جابجا کردن و دور کردن زندانی از خانواده ها شون، خودش یک نوع شکنجه هست و اینکه می خواد به قول خودشون اتحاد اونها رو بشکنند و بین زندانیان ایجاد انشقاق کنند. و وقتی زندانی به جایی جدید منتقل می شه مسلمانا زمان میبره که تا دوباره رفاقت بین زندانیان ایجاد بشه و در هر حال هدف در درجه اول، شکستن روحیه و اتحاد بین زندانیان هست و اینکه حکومت اسلامی، از اتحاد بین حتی زندانیان کسانی که در به

همانطور که می دانیم در ماه های آخر سال رژیم شروع کرد به آزار و اذیت زندانیان و تشدید سرکوب زندانیان سیاسی و منتقل کردن آنها به زندان های دیگر، پیوند و همگام بودن آنها را از بین برده و به جاهای دور منتقل شدند در همین راه همراه می شیم با شراره رضائی فعال حقوق زنان و کودکان و مدیرمسئول نشریه رهایی زن

**مهرداد مقیمی:** چرا رژیم سرکوب ها رو زیاد کرد و چرا زندانیان را به راه های دور دست منتقل کرد؟

**شراره رضائی:** سران قوه قضائی اخیرا در یک ادعای خنده دار و مسخره گفتن که زندانیان خارجی ارزو می کنند که در زندان های ایران، زندانی باشند.

ولی ما شاهدیم که با وجود پاندمی کرونا نه تنها وضعیت زندانیان، بهبود پیدا نکرده بلکه هر روز شدت سرکوب و شرایط ضد انسانی تر و موج سرکوب ها بیشتر می شه. چون اعتراضات در جامعه هر روز قوی تر و متحدانه تر می شد طبعا حاکمیت هم به همان نسبت شدت سرکوب رو زیاد می کند چون وحشت دارد.

این سرکوب ها از انتقال زندانیان سیاسی به سلول های انفرادی، تا پرونده سازی های جدید و صدور احکام تازه و تبعید به زندان های دور از محل سکونت، در ماه های اخیر شدت بیشتری پیدا کرده و قوه قضائیه سیاست تبعید زندانیان رو در پیش گرفته است.

طی ماه های اخیر بسیاری از زنان زندانی هم به زندان های دیگه منتقل شدند. آتنا دائمی به زندان لاکان رشت، سپیده قلیان از زندان اوین ساعت ۱۱ شب با دست بند و پابند به زندان بوشهر منتقل می شه درحالیکه سپیده بارها درخواست کرده بوده که به زندان

**مهرآفاق مقیمی:** نظر شما نسبت به این اعتصابات در زندان چیه؟

**شراره رضائی:** 28 زندانی سیاسی در زندان‌های اوین، فشافویه و عادل‌آباد شیراز با انتشار نامه ای اعلام کردند که در سه روز اول سال نو، دست به اعتصاب غذا می‌زنند که این اعتصاب غذا در اعتراض به ظلمی که از طرف حکومت به مردم می‌شد و در همبستگی با رنج مردم ایران.

در این نامه آنها اعلام کردند که: برای پاسداشت مبارزه برای آزادی، رفع تبعیض و نابرابری و احقاق حقوق انسانی، برای اعتراض به سرکوب، کشتار، خفقان، کشته شدگان آبان 98 و کشته شدگان سوختبران، کولبران و اعدام زندانیان و معترضان به فقر فلاکت امثال نوید افکاری و مصطفی صالحی، بهنام محجوبی و همینطور در همدردی با کسانی که سفره هاشون خالی مردم و شکم های گرسنه هستند و خشونت، فقر و فلاکت و حداقل دستمزد سال 1400، دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

آنها همچنین در بخشی از نامه ای که خطاب به مردم نوشتند گفتن: بسیار از کسانی که در زندان هستند در همبستگی با کارگران، بازنشستگان و زحمتکشان دست به این اعتصاب زدند و تاکید کردن که حکومت امنیش را بر سرکوب مردم ادامه می‌دهد. بعد از انتشار این نامه، در زندان های دیگه هم اعلام کردند که به این اعتصاب می‌پیوندند که که 6 نفر از زندانیان سیاسی زنان بودند.

همینطور آقای اسماعیل عیدی، معلم زندانی در 17 اسفند در زندان اوین که به جرم شرکت در مراسم یادبودی که در زندان، برای بهنام محجوبی گرفته بودند. از حق تماس با خانواده محروم شده بود که ایشون در اعتراض به این محرومیت، دست به اعتصاب غذا زد.

آقای اسماعیل عیدی، همانطور که می‌دیدید در سال 94 تا 99 به جرم "تبلیغ علیه نظام"، پنج سال زندانی شون تمام می‌شد که باید ازاد می‌شدند ولی حکومت سرکوبگر، مجددا 10 سال حبس تعلیقی رو برای ایشون اعمال و به جریان انداختند. و چند روز پیش ایشون را از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج منتقل شون کردند که 7 تن از زندانیان بند 8 اوین مثل آقای بکناش آبتین، امیرسالارادودی، مصطفی خسروی، سینا بهشتی و زندانیان دیگه که 7 تن هستند. در اعتراض به انتقال آقای اسماعیل عیدی دست به اعتصاب غذا زده بودند. ولی با خواست و بیانیه ای که آقای اسماعیل عیدی ضمن تشکر از اعتصاب کنندگان، از آنها خواست که به اعتصاب خودشون پایان بدن. و گفتند در شرایطی که مردم در رنج و تبعیض و فقر هستند. باید جان

های شما سلامت بمونه تا با حضور حق طلبانه و عدالت طلبانه تون، کمی از رنج مردم کاهش پیدا کند.

اگرچه همیشه روی زندانیان، خصوصا زندانیان سیاسی و عقیدتی، فشار و شکنجه بوده ولی این روزها، شدت بیشتری پیدا کرده و سرکوب ها در زندان، وضعیت غیرقابل تحملی را برای زندانیان ساخته است.

ببینید اعتصاب غذا هیچوقت بهترین راه نبوده ولی واقعیت اینکه زندانی در زندان وقتی تحت شکنجه و فشار و از ابتدایی ترین امکاناتش محروم می‌شه، طبعا ابزار دیگری در دست نداره، هیچ قانون و حتی همون حداقل حقوق های آبی و نیم بندهای حقوق بشری هم در زندان ها و شکنجه گاه های حکومت ایران وجود نداره. من به شخصه هیچ نقدی نمی‌تونم به این امر داشته باشم. چون مسلمانا، خود زندانی بهتر از هرکسی از عواقب و اثرات مخرب و حتی خطر جانی که براشون داره اطلاع داره و حکومت‌های مستبد، زندانی رو در شرایطی قرار می‌ده که مجبورن دست به اعتصاب غذا بزنند.

ولی شاید بشه از روش ها و راه های دیگری برای فشار بر حکومت که حتما وجود داره، بکار برد. البته که بخشی از این اعتصابات غذا سمبلیک است مثلا همین اعتصاب سه روزه ی، 28 تن از زندانیان که به شکل سمبلیک در همبستگی با درد و رنج و فقر و فشار، اعدام ها، سرکوب ها، کشتار مردم، کارگران، بی حقوقی، ظلم و جنایت حاکمیت هست. که راه بسیار خوبی که، هم صداشون به جامعه و هم کل دنیا می‌رسونند. ولی در هر حال زندانی وقتی دست به اعتصاب غذا می‌زنه و جونش رو به خطر می‌اندازه برای اینکه به چیزی و به یک خواسته ش برسه که این حداقل های حقوق طبیعی زندانی هست در تمام دنیا مثل تماس و دیدار با خانواده یا خواسته های دیگه. آنچه که مسلم هست اینکه حاکمیت هست که با فشار حداکثری بر زندانی، رو وادار به چنین کاری می‌کند.

اعتصاب غذا، یک راه هست ولی حتما بهترین راه نیست، و تاریخا ثابت کرده که حکومت های مستبد حتی، کک شون هم نمی‌گزه که چه اتفاقی برای زندانی در اعتصاب می‌افته. مثل بایی سانز در انگلیس که بعد از 66 روز اعتصاب غذا درگذشت. و دولت مستبد انگلیس در گزارش مرگ بایی سانز نوشت "خودکشی ناشی از گرسنگی خودتحمیلی"، منظور اینکه هیچکس نمی‌تونه به زندانی بگه اعتصاب نکن، ولی شاید بشه راه های جایگزینی که لطمات کمتری

رو حداقل بر جسم زندانی وارد می‌شد از این راه های فشار استفاده کرد.

**مهرآفاق مقیمی:** پیام زندانیان به مردم چیست؟

**شراره رضائی:** حقیقتش این زندانیان در اعتراض به فقر، فلاکت، کشتار مردم در اعتراضات آبان 98، کشتار مردم سراوان، بی حقوقی بی عدالتی، دستمزدهای، کارگران، معلمان و همه جامعه به زندان افتادن و باید به احترامشون کلاه از سر برداشت که در زیر شکنجه و محرومیت از همه چیز، از حداقل های زندگی و شرایط سختی که همه مون می‌دونیم که آنها در چه شرایط وحشتناکی دارند. اینطور متحدانه ایستادند و دست از مبارزه برنداشتند.

زندانین سیاسی و عقیدتی و مبارزان در زندان، نماد مقاومت و ایستادگی ن. پیام این زندانیان سیاسی به جامعه مقاومت و مبارزه هست. و اینکه دستگاه سرکوب با تمام امکانات سرکوب و تجهیزاتی که برای سرکوب و کشتار در اختیار داره دیگه سرکوب ش کار نمی‌کنه.

و این شعار، مصداق عینی پیدا می‌کنه که: **زندان، شکنجه، اعدام، دیگر اثر ندارد.**

و نقش شون و پیام شون به مردم و جامعه، ایستادگی در برابر جنایتکاران و دست برداشتن از مبارزه ست.

**مهرآفاق مقیمی:** پیام شما به زندانیان و مردم چیست؟

**شراره رضائی:** من کوچکتز از آن هستم که پیامی برای زندانیان و مردمی که تحت سخت ترین شرایط هستم بدم ولی آنچه که می‌تونم توصیه کنم. اینکه دست از مبارزه هر روزه با رژیم مستبد برندارند و این مبارزه همچنان تا سرنگونی حکومت ایران ادامه پیدا کند.

**مهرآفاق مقیمی:** شراره جان ممنونم از اینکه دعوت ما رو پذیرفتی.

**شراره رضائی:** من هم ممنونم از اینکه این فرصت رو به من دادید.

[https://www.youtube.com/watch?app=desktop&v=MRWReId3Sw&fbclid=IwAR2v03xcjvnmwD4JPZsCSVgJiQOhhvGzkjBliWJtDF0\\_Lq-ikFtxIJTcXs](https://www.youtube.com/watch?app=desktop&v=MRWReId3Sw&fbclid=IwAR2v03xcjvnmwD4JPZsCSVgJiQOhhvGzkjBliWJtDF0_Lq-ikFtxIJTcXs)

حکومت جمهوری اسلامی ایران، گیلیاد

دیگر!

نوری شریفی مدافع حقوق زنان



مارگرت اتوود در کتاب سرگذشت ندیمه روایت میکند که انقلابی رخ میدهد و حکومتی تمامیت خواه بنام جمهوری گیلیاد در کشور شکل میگیرد. قانون اساسی لغو میشود. آزادی های فردی اکثر شهروندان پایمال میشود، و همه ادیان بجز دین رسمی غیر قانونی اعلام میشود. طلاق، سقط جنین، هم جنسگرایی در کشور غیر قانونی است. متخلفان مذهبی و سیاسی اگر بخت بارشان باشد به مناطق سمی و خطرناک فرستاده میشوند و گرنه در بیشتر موارد با طناب دار اعدام شده و به دیوار آویخته میشوند تا مایه عبرت دیگران گردد. حکومتی که در آن زنان هدف اصلی ظلم حکومت محسوب میشوند و حقوق و آزادیهای فردی آنان بشدت نقض میشود. آنها اجازه کار در خارج از خانه، مالکیت داراییهای خود، و ارتباط با دیگران را طبق قانون جدید از دست میدهند و بر اساس وضعیت تاهل و باروری خود مورد سنجش قرار میگیرند.

با همین روایت کوتاه میتوان دریافت که در واقع حکومتهای ایدئولوژیک، طرفدار گسترش سیطره خود بر تمام جنبه های زندگی مردم میباشند و جمهوری اسلامی ایران هم یکی از این حکومتهاست، که به معنای واقعی کلمه از تمامیت خواه یا توتالیتر عبور کرده و به فاشیسم رسیده است. رهبری و اولین ولی فقیه، روح الله خمینی، با آغاز انقلاب 57 پس از فریب تمامی گروههای سیاسی و مردم، فراقانونی عمل کرد، و ولی فقیه دوم یعنی علی خامنه ای نیز پا جای پای او گذاشت و بدینگونه به ولایت فقیه مطلقه تبدیل شد. مانیفست این نظام یکی از بیانات روح الله خمینی است؛ حفظ نظام از اوجب واجبات است، یعنی برای حفظ نظام هر کار و جنایت و تجاوزی، دروغی، رشوه ای، باج

دهی سیاسی و اجتماعی و خیانت و جنایت و... که لازم است، انجام بشود. قدرت سرکوب باید بر سر مردم باشد، رژیم حفظ شود و ولایت فقیه، مطلقه باقی بماند. گویای روشن این استبداد دینی سخنان دیگری از رهبر اول این نظام در رابطه با تساوی حقوق زنان است:

: "حساب کنید چه کرده‌اید؟ زنها را وارد کردید در ادارات؛ ببینید در هر اداره‌ای که وارد شدند، آن اداره فلج شد. فعلاً محدود است؛ علما می‌گویند توسعه ندهید؛ به استان‌ها نفرستید. زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌زند؛ می‌خواهید استقلالتان را زنها تأمین کنند؟! کسانی که شما از آنها تقلید می‌کنید، دارند به آسمان می‌پرند، شما به زنها ور می‌روید؟" [صحیفه امام | جلد ۱ | صفحه ۱۱۸]

این سخنان نشان دهنده اینست که خشونت و تبعیض جزو ذات رهبران این حکومت مستبد دینی است. ناگفته پیداست که در این حاکمیت مهمترین ابزار، استفاده از شکاف جنسیتی است تا بوسیله آن، کنترل زنان را در اختیار داشته باشند و با قوانین تبعیض آمیز دینی بتوانند جامعه را به تسلیم وادارکنند. رهبران این حکومت خود از مبلغان خشونت هستند. اینان کسانی هستند که تساوی حقوق زن و مرد را زیر پا گذاشتن احکام ضروری اسلام و قرآن می دانند. اینان همچنین مشارکت زنان در امور سیاسی و تصمیم‌گیری برای جامعه، را برای زنان جایز نمی دانند. و برای این نظریات خود دلایل فقهی از جمله ریاست مردان و همچنین عدم اجازه به زنان در نشان دادن خود را برای جلوگیری از مشارکت سیاسی آنان در تصمیم‌گیری‌های جمعی و همچنین جلوگیری از مدیریت آنان کافی می‌دانند. ضروریات دین، تقویت سیستم مردسالاری و خانه نشین کردن زنان است. حکومت مرتجع جمهوری اسلامی ایران با تبلیغ واژه‌هایی چون عفاف و حرمت بدن که از نگاه سکسیستی، ریشه در دین اسلام دارد، فارغ از سطح عمومی دموکراسی خواهی، همواره برای پابرجا ماندن مالکیت زنان توسط مردان، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است، تا جایی که همین حالا نیز همسران و پدران زیادی خود را حافظ بدن دختران و همسران تحت سلطه خود دانسته و ناموس پرستی و غیرت به ابزاری برای به چالش کشیدن اختیار زنان تبدیل شده است که اغلب برای زنان ثمری ندارد جز آسیب رساندن به جسم و روح آنها.

از سویی دیگر، دیندارانی که تعمداً برای هویت جنسی یک زن اختیاری قائل نمی‌شوند و نص صریح احکام فقهی آنها، زن را وسیله

آرامش مردان و ماشین تربیت و ازدیاد نسل می‌داند از مفاهیمی چون فحشا و فسق نهایت بهره برداری را برای سرکوب مطالبات زنانه کرده است. با آنکه چند همسری و قوانین مشمئز کننده و دور از انسانیت این ایدئولوژی همچون ازدواج کودکان، صیغه و عقد موقت که جایگاه زن را به یک وسیله لذت بخش برای مردان تنزل می‌دهد، تشویق شده و فساد اخلاقی گسترده در مدیران و عمامه داران که دامن دختران جوان را می‌گیرد، که خانه های عفاف نمونه بارزی از فحشای گسترده ایست که این ملایان از طریق دختران نوجوان و جوان، به راه انداخته اند و از موی سر تا زین دوچرخه زنان و دختران، به مصادیق و ابزار شهوت‌رانی و گناه افتادن مردان تبدیل می‌شوند. در جامعه سنت‌گرا و مذهب زده ایران که بیش از ۱۵ قرن، نگاه تقدیس‌گر و جنسیت‌گرای آن به مردان، این اجازه را داده تا در عرصه انتخاب، بتوانند بی چون و چرا یک‌ه‌تازی کنند، تعجبی نیست اگر زنان که نیمی از بافت جمعیتی را تشکیل می‌دهند، به یک گروه اقلیتی که کمترین آزادی‌های آنان با اما و اگرهای بسیاری روبروست، تنزل داده شود. قدم اول در مبارزات آزادیخواهانه زنانه، نه به دست آوردن جایگاه برابر بلکه تمکین مردان به پذیرش زن در کنار خود و همسان با خود است.

در واقع تاکید بر آزادی حقوقی، رفاه نسبی زندگی زنان و افزایش فرصت‌های سیاسی اجتماعی آنها تنها در پس جنسیت زدگی از جامعه سکسیست ایرانی ممکن خواهد شد. هر چقدر آگاهی زنان از حقوق شان بیشتر شود ستم‌پذیری‌شان هم کمتر میشود و دیگر خشونت را یک مسئله عادی قلمداد نمی‌کنند و البته اینجاست که نقش قوانین عادلانه که حقوق همه انسانها را مراعات کند برجسته می‌شود.

به سازمان رهایی زن بپیوندید و  
نشریات ما را با دوستان خود به  
اشتراک بگذارید

<https://>

[rahaizanorg.blogspot.com](https://rahaizanorg.blogspot.com)



گزارش از فریبا رشیدی مراسم 8 مارس نروژ (فارسی-نروژی)  
فریبا رشیدی



Hei alle sammen! Og gratulerer med dagen!

Vi, alle kvinner og menn som er for likestilling mellom kjønnene, har en felles sak på tvers av våre ulike nasjonale tilhørigheter, og på tvers av landegrensene.

Ja, vi har en felles sak og kjemper samme kamp, MEN vi er på ulike faser av kampen.

I Norge er kanskje mangel på «Lik lønn for likt arbeid» en av de største urettferdighetene som kvinner er utsatt for nå, MEN kvinner i mitt hjemland, som kjemper samme kamp, blir utsatt for drap på grunn av ... hold dere fast ... på grunn av .. kjærlighet.

Mange kvinner blir drept på grunn av «forbrytelsen» ulydighet. Ulydighet overfor familien.

Jeg bruker ordet «forbrytelse» fordi det er ikke bare familien som krever kontroll over kvinnenens liv og friheter. Regimet i mitt hjemland Iran har bygget staten på en slik ideologi.

For 42 år siden ble en islamsk republikk dannet i Iran. Første tiltak fra det nye regimet kom etter 2 uker hvor Ayatollah Khomeini gjorde det obligatorisk for alle kvinner å gå med hijab.

Kampen mot hijab er viktig, men å påtvinge jenter hijab forgår her i Norge også. Mange muslimske små jenter her i Norge blir presset av foreldrene til å gå med hijab.

Det er ikke frivillig. Ingen barn vil velge å bli mislikt av foreldrene og la være å etterkomme deres ønske om at hun skal gå med hijab.

Jeg mener at norske myndigheter svikter disse lille jentene når de blir behandlet som sex-objekt.

I Norge diskuterer mange om det er behov for feiring av 8.mars lenger. JA, det er det. Det er ikke bare ulik lønn som er problem i Norge. Barnehijab er et stort problem som samfunnet ikke bryr seg om.

Det vi må gjøre og stille opp for forsvarsløse muslimske små jenter. Barnehijab må forbys.

Takk for oppmerksomheten!

روز ۸ مارس ۲۰۲۱ ساعت ۶ عصر برگزار شد، با وجود پاندمی کرونا ولی باز هم برگزار شد، با حضور مردم و تعدادی از فمینیستها و چند تن از احزاب سیاسی، در این گزارش من با یانه (jane) و شل بیورن (kjelbjørn) دو خانم فعال و سیاسی. این دو خانم مسول برنامه ۸ مارس بودن. من هم سخنرانی داشتم مربوط به کشتن زنان در ایران و کردستان. و چگونه حجاب اجباری شد در ایران. در کشور نروژ هم حجاب اجباری برای دختر خانمها وجود دارد در بین خانواده های مسلمان و دختر بچه ها را مجبور میکنند که حجاب بر سر کنند، در صورتی که حجاب دختر بچه ها اختیاری نیست بلکه اجباری است، و سخنرانی من هم در همین رابطه بود که جامعه نروژی و اکتیویستها باید بیشتر رو این مسئله کار کنند و همه به حجاب اجباری نه بگیریم، خیلی از مردم از سخنرانی من استقبال کردند و مورد توجه آنها قرار گرفتم و خیلی خوشحال شدم از این بابت که توانستم این سخنرانی را خوب پیش ببرم. این گزارش برای تلوزیون رهایی زن است، و امیدوارم مورد رضایت قرار بگیرد. با سپاس فراوان ۸ مارس ۲۰۲۱ ساعت ۸ عصر به وقت نروژ شهر استورد (stord) شهرداری استوردkommune. Norway

نوال سعداوی، مبارز برجسته حقوق زنان مصر درگذشت

روز یکشنبه یکم فروردین (۲۱ مارس) نوال سعداوی بر اثر بیماری درگذشت. او هنگام مرگ ۸۹ سال داشت. سعداوی به "مادربزرگ" جنبش زنان در مصر شهره بود و یکی از منتقدان سرسخت ختنه دختران و محدودیت های حقوقی و اجتماعی زنان، به ویژه در جوامع اسلامی، به شمار می رفت.

او که خود قربانی ختنه دختران بود، در نوشته هایش و مناسبت های گوناگون تاکید می کرد که ادیان توحیدی با ساختارهای مردسالارانه خود صرفاً در جهت کنترل زنان و بهره برداری از آنها برای منافع مردان ایجاد شده اند.

این پژوهشگر حقوق زنان در سال ۲۰۱۲ گفت، در کشورهای اسلامی ظلم به زنان از جمله به شکل روسری ظاهر می شود و در کشورهای غربی "ماهیت روانشناختی" دارد.

یاد عزیزش در خاطره ها جاودانه خواهد ماند.

در راهپیمایی روز جهانی زن سال ۲۰۱۲ در میدان تحریر

نوال السعداوی



گورستان زنان گمنام؛ تراژدی قتل و ناموس  
مهیندخت مصباح

گوشه‌ای از گورستان سیوان سلیمانیه، مدفن هزاران زنی است که سنگ قبر ندارند و با شماره معرفی می‌شوند. اینجا خانه آخر قربانیان جنایات ناموسی است؛ زانی که بستگان‌شان از خاکسپاری آنها ابا کرده و کار را به شهرداری سپرده‌اند.

"از بین سه هزار قبر ۷۰ درصد گورها متعلق به زنانی است که به بهانه‌های ناموسی توسط خانواده‌هایشان به قتل رسیده‌اند. بطوری که بعد از کشتن‌شان نه تنها حاضر به تحویل جسد و خاکسپاری‌شان نشده‌اند بلکه هر نوع وابستگی به آنها را نیز انکار کرده‌اند. گرچه اسناد و مدارک این قربانیان در شهرداری موجود است اما گورها بدون هیچ نام و نشانی و تنها با یک شماره از هم جدا می‌شوند. سایر گورها متعلق به کودکانی است که در اثر تجاوز یا رابطه جنسی به اصطلاح نامشروع به دنیا آمده‌اند اما به دست خانواده زن کشته شده‌اند."

این بخشی از گزارشی است که به زبان کردی، به نقل از روزگار ابراهیم، وکیل دادگستری منتشر شده است. تا ده سال قبل هچکس از بخش زنان قبرستان خبر نداشت. هنوز هم کمتر کسی چیزی در باره این مردگان می‌داند و اگر بداند سکوت می‌کند. روزگار ابراهیم می‌گوید وقتی این خبر را شنید، یک نفر را هم پیدا نکرد که اطلاعاتی در اختیارش بگذارد: «با وجودی که هیچ اطلاعاتی در باره این زن‌ها نداشتند آنها را ج... می‌نامیدند. آنها هم که چیزی می‌دانستند بروز نمی‌دادند».

گورستان سیوان در دهه ۱۹۸۰ میلادی و در زمان صدام حسین ساخته شده اما تا قبل از خودمختاری کردستان عراق، تعداد قبرهای ناشناس در آن بسیار اندک بوده است. قربانیان شرف و ناموس زنانی از شهرهای رانیه، کرکوک، اربیل، سلیمانیه، چمچال هستند. مرد سالخورده‌ای که کارگر شهرداری است و مردگان زیادی را دفن کرده به روزگار ابراهیم گفته است: «حرف‌های زیادی برای گفتن دارم و روزی رازهایم را فاش می‌کنم». صندوق جمعیت سازمان ملل می‌گوید سالانه ۵۰۰۰ زن در دنیا در قتل‌های ناموسی کشته می‌شوند. این آمار موارد ثبت شده است، وگرنه گروه‌های حقوق بشری و فعالان حقوق زنان رقم واقعی را دست‌کم چهار برابر می‌دانند. اکثر جنایات ناموسی مکتوم می‌مانند و مرگ طبیعی، تصادف یا خودکشی جلوه داده می‌شوند.

به گواهی ارقام، خاورمیانه و کشورهای اسلامی کانون این قتل‌ها هستند؛ آنجا که شرف

مرد در گرو پاکدامنی زن است و شرع، پدرسالاری، فقر فرهنگی و روابط نابرابر، زن ستیزی و زن‌کشی را توجیه و بازتولید می‌کند.

قتل‌های ناموسی برای پاک کردن "لکه ننگ"، "اعاده حیثیت خانواده" یا جبران "شرمندگی اجتماعی" انجام می‌شوند و فصل مشترک آنها، مناسبات جنسی و عشقی خارج از عرف و شرع است. بیش از همه، پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق و ایران صحنه چنین جنایاتی هستند. ترکیه که امضاکننده "کنوانسیون اروپایی منع خشونت علیه زنان" بود، به تازگی از پیمان خارج شد. پیمانی که زن‌کشی، خشونت خانگی، زورگویی یا تجاوز در زندگی زناشویی را جرم‌انگاری می‌کرد و مستوجب مجازات قانونی می‌دانست.

طبق پژوهشی که "انجمن جمعیت ترکیه" با پشتیبانی برنامه توسعه سازمان ملل انجام داده، شهروندان ترکیه "شرف و ناموس" را بالاتر از هر ارزش دیگری در زندگی می‌دانند. هفتاد درصد پرسش‌شوندگان در چهار شهر از جمله استانبول، در جواب این که ناموس چیست گفته‌اند: «ناموس زن آدم است».

در عراق نیز زن‌کشی تحت عنوان "لکه‌دار شدن حیثیت خانواده" رواج دارد. در قوانین جزایی عراق، ناموسی بودن قتل با تخفیف در مجازات مجرم همراه است. در اقلیم کردستان هر چند قانون منع خشونت علیه زنان تصویب شده و قتل ناموسی، قتل عمد محسوب می‌شود اما این عرف، مناسبات عشیرتی و صلاح‌دید سران ایل است که حرف اول را می‌زند.

پروین ذبیحی، کنشگر حقوق زنان و فعال حوزه خطرات مین در مریوان پروین ذبیحی، فعال حقوق زنان، در باره قربانیان ناشناس گورستان سیوان به دوچه وله می‌گوید: «خانواده‌ها آنها را می‌کشند و عادت دارند که جسد را ببرند خارج شهر و مثل آشغال جایی پرت کنند. در منطقه چمچال کردستان که قتل ناموسی زیاد هست، می‌برند به بیابان؛ در چاله یا گودالی دور می‌اندازند. این مردم و رهگذران هستند که اجساد را پیدا می‌کنند و خبر می‌دهند. بعد شهرداری آنها را به عنوان گمنام به خاک می‌سپارد. هیچ‌یک از بستگان حتی در مراسم محقری که شهرداری می‌گیرد شرکت نمی‌کنند. یعنی جنازه را هم عاق می‌کنند. بچه‌ای را هم که به قول خودشان ولد زناست می‌کشند. شهرداری هم قبرها را کد گذاری می‌کند؛ یک دو سه چهار...»

پروین ذبیحی توضیح می‌دهد که زن‌های خانواده در برابر جنایتی که به دست مردها

انجام می‌شود ساکت می‌مانند؛ اول به خاطر ترس و دوم به دلیل آن که خود دولت نمی‌خواهد در این باره سر و صدا شود: «قوانین اقلیم تا حدودی مترقی هستند. قتل ناموسی قتل عمد است و حتی خنثه دختران هم جرم‌انگاری شده اما دولت مسئله را پیگیری نمی‌کند. در اقلیم شکایت و تشکیل پرونده رسم نیست بلکه طرفین بین خودشان مسائل را حل می‌کنند. سررشته کارها دست قبائل و سران ایل و عشیره و تندروهای مذهبی است. قبائل با همدیگر داخل جامعه بسته خودشان سر و ته قضایا را هم می‌آورند و هر نوع قتل ناموسی و هر نوع خشونت از این دست را با صلح عشایری حل می‌کنند».

چیزی که در این میان عجیب است، ناپدید شدن مردانی است که ضلع دیگر ماجرا هستند. زن به حکم دادگاه خانوادگی کشته می‌شود تا آبرو و حیثیت حفظ شود، اما اگر مردی را بکشند باید جواب قبیله و عشیره او را بدهند. پروین ذبیحی می‌گوید: «در ۳۶ مورد قتل ناموسی که خودم در کمپین علیه خشونت به نام ناموس تحقیق کردم، تنها اسم دو سه مرد را شنیدم. مردها قسر در می‌روند یا فرار می‌کنند. زن قربانی می‌شود و



خانواده‌ها می‌خواهند هر چه زودتر سر و صداها بخوابد. از نفر دوم پیرسی می‌گویند در رفت. نمی‌خواهند قتل دیگری انجام شود چون ادامه پیدا می‌کند و چند قتل دیگر پیش می‌آید».

از زمان انتشار گزارشی در باره گورستان سیوان، تشکل‌های زنان و برخی مقامات اقلیم از جمله قیاد طالبانی (معاون نخست‌وزیر) از محل بازدید کرده‌اند، اما به عکس یادگاری، کاشتن نهال، گذاشتن دسته گل و گفتن چند جمله اکتفا کرده و رفته‌اند. قیاد طالبانی وعده داده که برای گورها سنگ قبر درست شود، بی آن که در باره انگیزه‌های زن‌کشی و راهکارهای حقوقی و قانونی چیزی گفته باشد.

پاکستان بیشترین آمار قتل‌های ناموسی در خاورمیانه را دارد؛ دست‌کم سالی ۱۰۰۰ زن.



روژگار ابراهیم در باره نوع فعالیت تشکل‌های غیردولتی زنان در اقلیم کردستان عراق به یک "شبهه پیچیده رابطه قدرت" اشاره می‌کند و می‌گوید: «انجمن‌های زنان بودجه‌های زیادی می‌گیرند و به چند مسئله روبنایی می‌پردازند ولی با عشیره و مذهب در نمی‌افتند زیرا می‌خواهند در شبهه قدرت بمانند».

پروین ذبیحی نیز اعتقاد دارد که دولت اقلیم نمی‌تواند خارج از مناسبات عشیرتی و طبق قوانین مترقی عمل کند، زیرا خودش نماینده قبایل و رویکردهای مذهبی و افراطی است. او در مقایسه قتل‌های ناموسی در کردستان ایران و اقلیم کردستان عراق می‌گوید: «در کردستان ایران یکی از دلایل قتل‌های ناموسی فشاری است که از بیرون به خانواده آورده می‌شود. به مرد خانواده می‌گویند تو بی‌شرفی، تو بی‌ناموسی و او را طرد می‌کنند. مرد برای این که غرورش را جبران کند می‌کشد اما بعد پشیمان می‌شود. جامعه بی‌رحم هم که ابتدا تشویق کرده، بعدا به عامل قتل به چشم قاتل نگاه می‌کند. در کردستان عراق اینطور نیست. می‌کشند، پرت می‌کنند در بیابان و هیچکس چیزی نمی‌گوید. قانون هست اما دولت مدعی‌العموم نیست و می‌سپارد به عشیره و ایل و نهادهای مذهبی. در ایران، قانون از قاتل حمایت می‌کند».

روژگار ابراهیم، برای روشن‌گری در باره گورستان سیوان، در آغاز کار است. او با پیگیری و دوندگی بسیار از دادگاه مجوز گرفته، با شهرداری حرف زده و تصمیم دارد از سرنوشت تک تک قربانیان باخبر شود. کار اما پیچ و خم‌های زیادی از نظر فرهنگی و اجتماعی دارد و باید با احتیاط و تدبیر همراه باشد.

این وکیل کرد طی ماه‌ها پرس و جو، فقط به حکایت و هویت یکی از قربانیان دست یافته؛ شاید به این خاطر که بی‌گناهی مقتول محرز شده و روایت ماجرا باعث سرافکنندگی خانواده نیست: «مرد در شب عروسی پی می‌برد که ناتوانی جنسی دارد و برای این که به قول خودش آبرویش نرود و مورد تمسخر قرار نگیرد، به خانه پدر زنش می‌رود و می‌گوید دخترتان باکره نیست. پدر دختر هم او را درجا می‌کشد اما بعدا معلوم می‌شود که واقعیت ماجرا چه بوده است».

## آشکارسازی (برون‌آبی)

### شیوا مقدم



زمانی که یک دگرباش جنسی، تصمیم می‌گیرد هویت یا گرایش جنسی خود را برای خود، خانواده، اطرافیان و یا جامعه، آشکار کند و احساسات خود را در این زمینه با دیگران در میان بگذارد، او درباره دگرباشی جنسی خود آشکارسازی انجام داده است. آشکارسازی که معادل **Coming out** در زبان انگلیسی در نظر گرفته می‌شود ممکن است با تعابیر دیگری مثل "بیرون آمدن از پستو یا گنجه" به کار برده شود. طبیعتاً کسی که داخل گنجه است" به این معناست که درباره وضعیت خود آشکارسازی نکرده است. برون‌آبی یکی از مسائلی است که بسیاری از فعالان در زمینه دگرباشان جنسی،

بخصوص در کشورهای غربی، آن را عاملی مهم بر تغییر جامعه می‌شمرند. آن‌ها می‌گویند اگر انسان‌ها در نزدیکی خود، بطور مثال در خانواده یا در میان دوستان و همکاران، همکلاسی‌های مدرسه و دانشگاه یا هر کجای جامعه، با چهره‌های دگرباش جنسی رودررو شوند، بتدریج بر وحشت‌های (فوبیای) خود نسبت به این افراد، می‌توانند کنار بیایند و این بخش از جامعه را نیز مانند دیگر افراد عادی جامعه قبول کنند. به این شکل، می‌توان زندگی آسوده‌تری برای دگرباشان جنسی، در مجموع در جامعه حاکم کرد هرچند برون‌آبی سختی‌ها و مصائب خود را بر هر فرد خواهد داشت و در برخی موارد، برون‌آبی می‌تواند باعث شدت گرفتن وحشت‌ها (فوبیا) بر شخص دگرباش جنسی باشد و او را قربانی خشونت‌های کلامی و فیزیکی سازد.

آشکارسازی مراحل متفاوت و متعددی دارد. بسته به زمان و موقعیت ممکن است یک فرد به این نتیجه برسد که باید با دوستان خود یا حتی خانواده خود آشکارسازی کند. همچنین دلایل مهمی می‌توان برای آن برشمرد، که می‌تواند سرمنشأ درونی و احساسی داشته باشد یا شرکت در یک جنبش عدالت‌خواهی باشد و یا به دلایل دیگر. دگرباشان جنسی معمولاً پس از آشکارسازی‌های مهم خود (آشکارسازی با جامعه یا با خانواده)، شاهد تغییرات چشمگیری در زندگی خود می‌شوند.

**دیانا نامی:** خیلی مهمه که بتوانیم نسل جدید را با خودمان داشته باشیم، بر علیه این همه خشونت، نابرابری و ظلم. و باید روشنگری هم کنیم. به نظر من افکار متفاوت زیاد است مثلا یکی انقلاب را بد می بیند یکی خوب میبیند به همین خاطر دیدگاهها و تفکرات متفاوتند. برای من خیلی مهمه که از چه طریقی بتوانیم به خواسته هایمان برسیم. جنبش آزادی و برابری و یکسانی جنبش مهمی هست و سازمان ما هم عمیقاً به این اعتقاد داره و ما بر علیه خشونت و نابرابری خصوصاً در اروپا و کشورهای اروپایی مبارزه کنیم و حالا در ایران هم همین طور است. من خودم در انگلستان زندگی میکنم و بیشتر با پناهنده ها سرو کار داریم و یا انگلیسی نیستند و از کشورهای دیگه آمده اند به هر دلیلی و همه افکار متفاوتی دارند. چیزی که در همه ما زنها مشترک است، خشونت و نابرابری را همه ما تجربه کردیم، در کشورهای اروپایی مخصوصاً انگلیس خشونت علیه زنان در بین خارجی ها به شدت زیاد است. خوشبختانه سازمان ما توانسته نیروی جوان را جذب کنه چه به عنوان کار یا داوطلبهایی که با ما کار میکنند. مثلاً برای سوسیال میدیا خیلی فعال هستند و کار میکنند و بیشتر از ما اطلاع رسانی میکنند در فضای مجازی، توئیتر، تلگرام یا انستگرام، و بیشتر انرژی دارند و سیستماتیک کار میکنند. جوانان خیلی علاقه دارند که مسأله خشونت پایان یابد، و این چیزی نیست که جدا از نسلهای قبل باشه، بلکه بر اساس فعالیتهایی که نسلهای قبل داشته اند و حالا هم ما داریم تا کنون جوانان هم عرضه ها بلند کرده اند و مسایلی چون نابرابری و خشونت به نتیجه نرسیده، اینها بتوانند گام بر دارند و به نتیجه برسانند. چون دستاوردهایی که ما داریم مثل ۸ مارس که تبدیل شده به یک روز جهانی، نتیجه زنان و کسانی بوده که چند صده قبل این دستاوردها را داشته و این کارها را انجام داده اند، و امروز ما و نسل ما که جوانان هستند همان پرچمی را بلند میکنند که آنها بلند کردند و نمیزاریم زمین بیفتد. و در نتیجه سازمان ما هم جزئی کوچک از این جامعه بزرگ هستیم و سعی کرده ایم این پرچم را در همچنان بلند نگه داریم و جوانان بیشتری را بیاوریم و بتوانند ادامه دهنده راه آزادی و افتخار بزرگی است برای همه.

مسئله خشونت علیه زنان برای من خیلی مهمه است چون زنان زیادی در ستون مختلف در طبقات مختلف، در خانوادههای مختلف مورد خشونت قرار می گیرند و کاری که ما میکنیم تمرکز و پایان دادن خشونت علیه زنان است و

من امیدوارم بتوانیم این مسأله را در دنیا تمام کنیم و مسأله خشونت میتواند به پایان برسد، با آگاه گری و روشنگری، با روابط انسانی، با روابط برابر. ایران و افغانستان کشورهای هستند که مذهب و قوانین مذهبی دارند که این خودش مستقیماً قانون ضد زن هستش و تنها با سرنگونی این رژیم ها هستند که مردم بتوانند امید به برابری و یکسانی داشته باشیم، امید به لغو خشونت، اعدام و کشتار زنان، قتل ناموسی، و نابرابریها، چند زنی، و بتوانیم به اینها خاتمه دهیم. من امیدوارم قانون کشورهای ایران و افغانستان را بتوانیم عوض کنیم با از بین بردن این رژیمهای ضد زن. امیدوارم آزادی و یکسانی و دمکراسی را در ایران و افغانستان جشن بگیریم.

**پیام کردی دیانا،** اول تبریک میگم که تلویزیون رهایی زن ۱۷ ساله شد، و سازمان ما ۱۹ ساله، و تشکر از کسانی که کمک کردن و توانستیم برنامه های تلویزیون و سازمان را تا اینجا بیاوریم.

**مینو همتی:** فریبا رشیدی، بنظر شما ارتقا خودآگاهی زنان مهاجر به حق و حقوق شهروندی برابر با مردان در کشور نروژ چگونه پیش میرود. بخصوص که بسیاری از این زنان مهاجر توسط خانواده های سنتی بعضاً در حبس خانگی بسر میبرند.

**فریبا رشیدی:** اگر من بخوام جواب این سوال شما را اینجوری بدهم که: پدیده هایی هستند در خانواده های کنسرواتو یا مسلمان وقتی مهاجرت میکنند به کشورهای اروپایی، چه نروژ و یا کشورهای دیگر اروپایی، داخل این خانواده ها محافظت کاری و اهمیت دادن به مذهب بیشتر میشه چرا؟ چون وقتی زنان وارد یک سیستم پیشرفته و جامعه دمکراتیک میشوند در آن جامعه خودشان را پیدا میکنند و بیشتر به حق و حقوق خودشان آشنا میشوند و به خواسته های خود توجه میکنند و دیگر آن زنان سرکوبگری نیستند که قبلاً بوده اند که مورد خشونت خانواده و سیستم قرار گرفته اند. در چنین شرایطی مردان بیشتر غیرتی میشوند و احساس میکنند که کنترل خانواده از دستشان خارج شده و ناچار میشوند که با پوشش حجاب بر سر زنها و کنترل کردن دختران محافظه کاری و اهمیت دادن به مذهب روی می آورند، همانطور که گفتیم زنان وارد سیستم پیشرفته تری میشوند که فرق و جدایی جنسیتی وجود ندارد، و از لحاظ فکری روشنتر میشوند، و این حسادت و غیرت مردها را پررنگتر میکند به این منظور که اگر مهاجرت نمی

کردند کنترل کردن زنها و دخترانشان در کشور مادر برایشون آسانتر بود و مردها خیالشان راحت بود چون یک سیستم اسلامی هست که زنها و دختران را کنترل کند، ولی در اروپا سیستم کاملاً فرق میکند که قبلاً خدمتتون عرض کردم.

در کشور نروژ که من زندگی میکنم و در جامعه شاهد این هستم که احزاب سیاسی و فعالین و مدافعین زنان، و فمنیستها و حتی مدیاها تلاش میکنند که مردم را با سیستم و قانون و جامعه آشنا کنند اینجا خشونت علیه دختران و زنان ممنوع هست. همه از حق و حقوق برابر و یکسان برخوردارند و از همه مهمتر به کشور خانواده معروف است.

**مینو همتی:** سحر صامت با توجه به حضور زنان فعال در صف مقدم مبارزه برای حقوق برابر، و دیگر جنبشهای اجتماعی، جنبش رهایی زن تا چه حد موفق شده با جنبش دانشجویی، کارگری و معلمان و پرستاران پیوند حاصل کند؟

**سحر صامت:** با وجود عصر تکنولوژی و فضای مجازی جنبش زنان در افغانستان توانسته توسط این فرصت تا با زنان دیگر جهان در هر جنبشی که فعال اند، با هر ایده ای که برای آزادی و برابری حقوق زنان در جامعه مبارزه میکنند ارتباط بهتر و بیشتری برقرار کنند، هم صدا و هم نوا شوند، از تجربیات دیگر فعالین زن استفاده کرده و گام های خود را مستحکم تر بردارند. یک مثال برای این حرف هایم میزنم؛ زمانی که یک تعداد از مردان کابل فرخنده را به بدترین نوع ممکن به خاطر یک شایعه شکنجه کرده و کشتند، این حضور پررنگ زنان بیرون از مرزهای افغانستان بود که از طریق دنیای مجازی به زنان فعال در داخل افغانستان این جرات را داد تا در مقابل این ستم قد علم کنند، دادخواهی کنند، جنازه ی او را بر دوش گیرند و اجازه ندهند یکی عاملین این حادثه که ایاز نیازی که دکترای خود را در زمینه ی الهیات گرفته بود و پس از کشته شدن فرخنده مرگش را روا دانست بیاید و نماز میت فرخنده را بخواند. آن لحظه که نیازی را دیدند چنان خشم از چهره هایشان میبارید که هیچ قابل توصیف نیست.

جنبش رهایی زن یکی از جنبش هایی بود که در طول این سالها زنان فعال داخل افغانستان را به شدت حمایت کرد. مخاطبان ما نه تنها زنان آگاه و فعال هستند بلکه زنان دیگر نیز اشتیاق و علاقه فراوان به خواندن ماهنامه رهایی زن دارند. و حتی نظریات خود را با ما درمیان میگذارند.

جالب اینجاست که چند وقت پیش پسری نوجوان برای من پیامی ارسال کرد. من

برای زنان روستایی از فعالیت های شما تعریف میکنم که در آن سوی آبها یک تلویزیون و سازمانی است که به فکر حقوق انسانی شماست. سحر صامت مشکلات شما را با هم زبانان در میان میگذارد و از دیگر زنان مبارز راه حل برای آزادی شما میخواهد. من همیشه به روستا میرم و پیام های رو را به آنها انتقال میدم چون آنها امکانات و دسترسی به رسانه ندارند. آنها هم سلام های خود را به تو و همکارانت عرض میکنند. برای من چنان این پیام حاوی شادی و نشاط بود که تقریباً دو روز با خواندن مکرر این پیام اشک در چشمانم جمع میشد. خیلی خوشحالم که توانستم با لطف و حمایت شما و همکاران خوبم مصدر خدمت برای محروم ترین زنان در افغانستان شوم. زنانی که جنگ، حمله طالبان، اقتصاد ضعیف، کمبود و یا نبود مدارس کوچکترین حقوق انسانی شان را از آنها گرفته است. زنانی که با کمترین سواد دلخوش و منتظراند که یک تکه از کاغذ که روی آن ماهنامه رهایی زن چاپ شده به دستشان برسد تا بخوانند و نور امیدی در دلشان روشن گردد.

**مینو همتی:** در پایان مایلم فریبا به زبان هورامی برای بینندگان عزیز ما در منطقه هوارامانات پیام تبریک روز جهانی زن را ارسال کند. **فریبا رشیدی:** به بونه رو جهانی هشتی مارس یوه پیروز بایی ویم ناراسته سهر جهمو ژناو کوردستانی بهتایبته ژناو هورامانی کهرو، ناواته وازنا که هیچ جوړه توندوتیژی وراورشا نهکړیو هرپاسه تاوا جه ئهمنیهته ژبو و ناواتهوازنا پی کومهلگایوه نازادی و مافو وپرانوهر و ژنو پیای. سوپاس پهئ کانال تلوزیونی رههایی ژمنی خاتو مینو همتی که ائ دهرفتهش دا پهنم تاوام جهخزمتانه بوو.

**مینو همتی:** همچنین دیانا نامی عزیز بسیاری از بینندگان ما در مناطق کرد زبان ایران، عراق تا کوبانی و ترکیه که جا دارد شما بزنان کردی پیام شادباش روز جهانی زن را از جانب ما ابراز کنید.

**دیانا نامی:** هشتی مارس پیروز بیت له ههموو پیوان و ژنانی نازادیخواز، وه ههموو ئهوه کهسانه که دلایان بو نازادی لیده دات. هیوادرم که روژی هشتی مارس نهها روژیک نهبیت که نیمه له دژی خشونت و توندوتیژی و نابراهبری و ناعهدالتهی موبارهزه بکهین، بهلکو ههموو روژیک

بکهین به روژیک که ههمومان دابیت و تیکوشانمان کردبیت که پهکسانی و بهراهبری بیک بینین و ژیانیکی پر له سهر بهزی که شایانی ههموو نینسانیکه. هر نینسانیک مافی نهوهی ههیه به شادی و سهلامتهی و بهراهبری بژی.

سوپاستان نهکم و دیسان روژی هشتی مارس پیروز بیت

**مینو همتی:** سحر عزیز من هم بهمراه شما برای بینندگان فارسی زبان برنامه در ایران، افغانستان، تاجیکستان و در هر نقطه از جهان که صدا و تصویر ما را دارند 8 مارس روز جهانی زن را تبریک میگوئیم.

**سحر صامت:** من هم این روز مقدس را به تمام زنان جهان در هر کجایی که هستند تبریک و تهنیت عرض میدارم. آرزوی من این است که زنان در سراسر دنیا دست به دست هم دهیم تا بتوانیم ریشه خشونت را بشکافیم تا نسل های بعدی با صلح و همدیگر پذیری رشد و پرورش داشته باشند.

به امید دنیای پر از صلح، آرامش، احترام و صمیمیت، دور از خشونت های جنسیتی، قتل های ناموسی و خشونت های کلامی و رفتاری با پرورش دخترانی قوی و زنانی شجاع که در کنار مردان فامیل خود گام به گام برای پیشرفت و بهبود زندگی تلاش کنند. به امید روزی که دنیا شاهد مادران آگاه و بیدار باشد که به پسرانشان عشق ورزیدن و احترام به جایگاه زن آموخته باشند. با سپاس و قدردانی از تیم پر قدرت تلویزیون و سازمان رهایی زن.



**رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، شنبه ۲۰ مارس، ۲۹ اسفند فرامانی را تصویب کرد که براساس آن عضویت در معاهده بین المللی خشونت علیه زنان را لغو می کند**

در ۲۸ روز نخست سال ۲۰۲۱، ۷۷ زن در ترکیه قربانی خشونت شده اند. بهرغم افزایش آزار خانگی و نرخ بالای خشونت علیه زنان در ترکیه، این کشور از یک معاهده مهم اروپایی با هدف محافظت از زنان در برابر خشونت خارج شده است.

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، اوایل صبح شنبه ۲۰ مارس، ۲۹ اسفند فرامانی را تصویب کرد که براساس آن عضویت در معاهده بین المللی خشونت علیه زنان را لغو می کند. این معاهده برای ارتقای برابری زنان با مردان طراحی شده است و مقامات دولتی را موظف می کند از خشونت علیه زنان جلوگیری کنند، از بازماندگان محافظت کنند، و مرتکبان را تحت پیگرد قانونی قرار دهند.

ترکیه اولین کشوری بود که توافقنامه شورای اروپا را در سال ۲۰۱۱ امضا کرد و این قانون از سال ۲۰۱۴ در ترکیه به اجرا درآمد. هیچ دلیلی برای لغو قانون پیوستن ترکیه به این معاهده ذکر نشده است، اما مقامات حزب حاکم عدالت و توسعه گفتند که سال گذشته دولت در حال جدال در مورد چگونگی مهار خشونت علیه زنان بوده است: «تضمین حقوق زنان در مقررات جاری مورد توجه قانون اساسی ما است. سیستم قضایی ما به اندازه کافی پویا و قدرتمند است تا بتواند مقررات جدید را در صورت لزوم اجرا کند».

منتقدان خروج از این پیمان گفته اند که این امر ترکیه را از ارزش های اتحادیه اروپا که این کشور از سال ۲۰۰۵ کاندیدای عضویت در آن است، دور می کند. آنها استدلال می کنند که معاهده منع خشونت علیه زنان و قوانینی که پس از آن تصویب شده است باید با سختگیری بیشتری اجرا شود. به گفته گروه های مدافع حقوق بشر، خشونت علیه زنان در ترکیه در حال افزایش است. داده های سازمان بهداشت جهانی نشان می دهد که در حدود ۳۸ درصد از زنان در ترکیه در طول زندگی خود مورد خشونت شریک زندگی شان قرار می گیرند. میانگین این آمار در اروپا حدود ۲۵ درصد است.



**پیام اسرین درکاله به مناسبت #هشت مارس**

**#هشت مارس** روز جهانی زن را به همه ی انسانهای برابری خواه تبریک می گویم و با خود فکر می کنم اگر یکبار به من و همه ی زنان این مملکت فرصتی یا تربیونی داده شود تا از آنچه که بر قلب و مغز و لحظه لحظه عمر و زندگیمان گذشته و می گذرد صحبتی داشته باشیم ، کيفرخواست و دادخواستمان را بگوئيم ، چه خواهيم گفت. ما زنان بخاطر تمام این بی عدالتی ها، تبعیض ها، ستم ها و سرکوب هایی که در این چهل و دو سال بر سرمان آوار شده حرفها و دردهای مشترکی داریم که هممون ، بخاطر حجابی که به ما زنان تحمیل کردید و انتخابمان نبوده و از این حجاب استفاده شده تا استارت بزنی همه ی قوانین ضد زن را از شما منتفریم!

بخاطر دختران و کودکانی که روزیشان را از این سطل زباله به آن سطل زباله ، از این چهار راه به آن چهار راه ، از این ایستگاه مترو به آن ایستگاه مترو می گذرانند و سهم نوجوانیشان در چهارده سالگی فروش تنشان است که در آخر بچه ای که در شکم دارند را به فروش بگذارند از شما منتفریم!

برای تمام عشق های پرشوری که میله های زندان را سالها در قلبشان زدید و تا پای چوبه دار هم بردید و همچنان بر عهد با خود وفادار ماندند، شهلا جاهدها...، از شما منتفریم!

برای تمام عمرها و آرزوهایی که در آتش ازدواج های اجباری و فقر و نبود قوانینی برای طلاق و خلاصی سوختند، زنان دیشموک، از شما منتفریم!

برای تمام سرهای پرسودایی ، رومیناهااا ، فاطمه هااا ، ریحانه هااا و ... که با داس و تیر ناموس بریدید و قطع کردید از شما منتفریم! برای تمام چشمهایی که در شوق پرواز به سوی آینده ی روشن با اعدام و قتل بستید به جرم دفاع از شرافت خود در مقابل متجاوز ، ریحانه جباری هااا، زهرا نویدپور هااا ... از شما منتفریم!

بخاطر دختران آبی این سرزمین که مجبورشان کردید برای اثبات حقانیت کمترین خواسته شان، " ورود به استادیوم " روی آسفالت داغ خیابان دود شوند یا زنان دوچرخه سواری که حضورشان در خیابان از بمبهای هسته ای هم برایتان خطرناک تر است پس ممنوعشان می کنید از شما منتفریم!

بخاطر لاله ، لاله گل افشان شدن کف خیابانهایی که حق باورهای عمیق به ممکن بودن زندگی انسانی و برابر را نسل به نسل از ندا آقا سلطان تا نیکیتا اسفندانی فریاد زدند و مادران و پدرانی دادخواه برجای گذاشتند از شما منتفریم!

برای ذره ذره بی حقوقی ها و قوانین برده واری که سرب داغ بر زندگی ما زنان هست از شما منتفریم!

بعنوان زنی از هزاران هزار زنی که خشونت این قوانین جسم و روحش را سیاه و کبود کرد اما خاموش نشد فریاد می زنم:

آزادی برابری

**پیام ناهید شقاقی به مناسبت #هشت مارس**

سلام.

فرا رسیدن ۸ مارس روز جهانی زن و روز برابری خواهی رو به شما عزیزان تبریک میگم سال خونینی رو پشت سر گذاشتیم ، از سرکوب فعالین تا داس و تیر به دست گرفتنها در سایه خشونت آمیزترین عناوین مانند ناموس پرستی از سرکوب ورزش زنان، تا بالا رفتن آمار خودکشی زنان و مردان و حتی کودکان بعلت فقر کشتار و اعدام فعالین تا صدور حکمها و به حبس و زنجیر کشیدنها و بی شمار ظلم و رفتار غیر انسانی و بی شرمانه اما با وجود تمام این فشارها و سرکوبها که هر روز رنگ خشونت بیشتری به خود می گیرد، همچنان ایستادیم و تلاش کردیم تا منشاء تغییر باشیم ، تغییر برای زیستن در دنیای برابر هر بار پس از سرکوبها و خشونتها برخواستیم، قویتر و پرشورتر از قبل. مادران و خواهران دادخواه شدیم و هر بار بلندتر فریاد زدیم ما خسته گی ناپذیریم. و اینبار آنچه جهش پیدا کرده بود زن مبارزه ما برابری خواهان این سرزمین بود.

ما خسته گی ناپذیران بی شمار  
گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن



**پیام اکرم نصیریان به مناسبت #هشت مارس**

#هشت مارس، ۱۸ اسفند؛ روز جهانی زن را به همه ی زنان که چهل و دو سال است علیه تبعیض و نابرابری در کف خیابان حضور دارند، تبریک می گویم.  
در سالی که به پایانش نزدیک می شود، با همه ی اعتراضاتی که از سوی زنان صورت گرفته، محدودیت ها و فشارها بیشتر شده و به پرونده سازی، بازداشت، بازجویی و صدور احکام ناعادلانه و حبس های درازمدت پایان داده نشده است.  
زنان، امسال نیز همچون سال های گذشته؛ بر لغو حجاب اجباری، برخورداری از حقوق اجتماعی و قانونی برابر، حق طلاق، حق حضانت، حق ثبت هويت برای فرزندان خود و همچنین بر ممنوع کردن ازدواج کودکان و آزادی دوچرخه سواری و حق آزادانه ی ورود به استادیوم های ورزشی پا فشرده اند.  
ما زنان از خواست های برحق مادران داغ دیده و داخواه، حمایت می کنیم.  
ما زنان بر این باوریم که این حقوق، جهانی اند، و به همین اعتبار هم انسانی محسوب می شوند و ما انسانیم و هیچکس نباید حقوق انسانی و جهانشمول را از زنان سلب نماید. بر این اساس، ما حقوق برابر خود را مطالبه می کنیم و در این راه مثل سال های گذشته کوشش و تلاش خواهیم کرد.



ما بر این باوریم که زنان از جامعه، حذف شدنی نیستند .

**زنده باد #هشت مارس**

زنده باد تلاش زنان برای یک دنیای برابر

**پیام مریم محمدی به مناسبت #هشت مارس**

سلام به همه دوستان

هشت مارس روز جهانی زن را به همه کسانی که قلبشان برای برابری انسانها می تپد، صمیمانه تبریک می گویم.

هشت مارس روزیست که مبارزات زنان علیه تبعیض و نابرابری ابعاد جهانی پیدا کرد و می توان با تکیه بر قدرت چنین روزی مبارزات را پیگیر و متحد به پیش برد.

البته ویژگی مهم ۸ مارس، جهانی بودن آن است و این همان شعار است که زنان در تظاهرات با شکوه و تاریخی 8 مارس اسفند ۵۷ فریاد زدند:

"حقوق زن جهانیست"

اینکه اجازه نمی دهیم هویت زنان را در قالب های قومی، محلی، منطقه ای محدود کنید!

ما انسانیم و برابری حق ماست.

از تبعیض بیزاریم و ایمان داریم

انسانها تنها در سایه برابری می توانند زندگی شاد و بانشاط را تجربه کنند.

دنیایی که زنان، انسان قلمداد نشوند مردان نیز خوشبخت نخواهند بود

و همین موضوع هشت مارس را برای حاکمان سرمایه هولناک می کند.

حاکمانی که بیش از چهار دهه تلاش کردند نیمی از جامعه را به بهانه زن

بودن حذف کنند. حجاب را بر سر زنان اجبار کردند و همه عرصه های

زندگی زنان، ممنوع شد.

دفاع از برابری با تاوان سنگینی روبرو شده تا بتوانند مثل زالو خون مردم را

بمکند و سودآوری های نجومی به جیب بزنند.

اما پرچم هشت مارس تا برپایی یک دنیای شاد و برابر برافراشته خواهد بود و

به کمتر از برابری رضایت نخواهیم داد.



زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

# هیچ انقلابی بدون حضور زنان ممکن نیست

## نشریه سازمان رهایی زن شماره 93

### گزارشی از مراسم 8 مارس در شهرها مختلف ایران و دیگر کشورها

#### برگزاری مراسم 8 مارس روز جهانی زن در شهر سقز

بنا به گزارش دریافتی روز چهارشنبه 13 اسفند ماه مراسمی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن در شهر سقز برگزار شد.

مراسم راس ساعت 4 بعدازظهر با حضور جمع کثیری از زنان آزادخواه و برابری طلب آغاز گردید. در آغاز مجری مراسم به پاس فداکاری زنان مبارز و جانبازان راه رهایی و آزادی انسان بویژه زنان مبارز و جانبازان، یک دقیقه سکوت اعلام کرد. سکوت با دکلمه یک قطعه شعر شکسته شد. به دنبال یکی از زنان حاضر در مراسم تاریخچه مبارزات زنان جهان، ایران و کردستان را به سمع و نظر شرکت کنندگان رساند. سپس یکی دیگر از زنان شرکت کننده در مراسم، مطلبی در مورد خشونت علیه زنان را قرائت نمود. در ادامه دو تن از زنان شرکت کننده در این مراسم دو قطعه شعر در مورد روز جهانی زن را قرائت کردند. مراسم با سخنرانی یکی از حاضرین در خصوص خشونت علیه زنان، کولبران و سوختبران، بیکاری و تورم در جامعه و فشار آن علیه کارگران و اقشار محروم و ستمکش، بویژه زنان ادامه پیدا کرد. در ادامه مراسم یکی دیگر از زنان یک قطعه شعر به زبان کوردی قرائت کرد. در پایان قطعنامه ای 16 ماده ای مصوب گردهمایی 8 مارس روز جهانی زن در شهر سقز قرائت شد. مراسم به مدت 2 ساعت با بحث آزاد به پایان رسید. منبع ندای زنان ایران



#### برگزاری مراسم گرامیداشت 8 مارس (روز جهانی زن) در بانه

بنابر خبر رسیده، روز یکشنبه 17 اسفند ماه، مراسم گرامیداشت 8 مارس (روز جهانی زن) توسط شمار زیادی از زنان کوهنورد در شهر بانه برگزار شد.

ابتداء یکی از زنان شرکت کننده در مراسم تاریخچه ای از 8 مارس را به سمع حضار رساند. به دنبال یکی دیگر از زنان شرکت کننده قطعه شعری را به این مناسبت دکلمه کرد. سپس یکی دیگر از شرکت کنندگان مطلبی در باره رنج و آزار زنان و راههای رهایی از آن را قرائت کرد. این مراسم با استقبال گرم شرکت کنندگان در آن روبرو شد و در فضایی صمیمانه به پایان رسید.



#### گرامیداشت روز جهانی زن در سنندج

روز یکشنبه 17 اسفند ماه، شماری از زنان سنندج، به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن مراسمی برگزار کردند. این مراسم با تریک فرارسیدن این روز به همه زنان و مردان آزادخواه آغاز شد. به دنبال آن یکی از زنان شرکت کننده تاریخچه مختصری از مبارزات زنان که به تعیین 8 مارس بعنوان روز جهانی زن منجر شد را قرائت کرد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. در ادامه، یکی دیگر از شرکت کنندگان ضمن تریک روز جهانی زن به حاضرین، بیانیه ای را در دفاع از حقوق برابر زنان و مردان در کلیه شئون اجتماعی قرائت کرد. این مراسم در فضایی گرم و صمیمانه به پایان رسید.







**گردهمایی جمعی از فعالین زنان در #گیلان به مناسبت روز جهانی زن**  
پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۹، جمعی از فعالین زنان در گیلان به مناسبت روز جهانی زن گلگشت برگزار کردند. این برنامه با محوریت همبستگی زنان علیه نابرابری، فقر و خشونت انجام شد. در ابتدا شعری توسط یکی از حضار خوانده و نمایشی کوتاه حول محوریت برنامه اجرا شد. سپس یکی از برگزار کنندگان یادداشتی را درباره مشکلات و چالش‌های زنان در یکسال گذشته برای جمع خواند. این متن با اشاره به زن کشی، عدم دسترسی زنان به وسایل پیشگیری و سقط جنین آزادانه، وضعیت معیشت زنان و جامعه و خودکشی زنان اشاره داشت. در انتها با طرح سؤالاتی چون تاثیر فقر بر خشونت و راهکارهای مقابله و مبارزه با مشکلات زنان، گفتگوی کوتاهی میان جمع صورت گرفت. در پایان مراسم شرکت کنندگان در گلگشت سرود زنان را بصورت جمعی اجرا کردند.

### برگزاری مراسم ۸ مارس روز جهانی زن در شهر #مریوان

امروز در مریوان زنان با حضور خود در کنار دریاچه زیربار تجمع کرده و ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داشتند. طبق گزارشات رسیده شهر حالت نظامی و ملیتاریزه ای به خود داشت با وصف جو امنیتی که بر شهر حاکم بود جمعی فعال از فعالین اجتماعی و زنان مراسم هشت مارس این مراسم را برگزار کردند و با پخش شیرینی و در گفتگو با مردم در خصوص این روز توضیح و آگاهی رسانی کردند.



### برگزاری گرامیداشت روز جهانی زن در مشهد

امروز ۱۸ اسفند مصادف با هشتم مارس روز جهانی زن جمعی از زنان مشهد با برافراشته کردن پلاکارد، روز جهانی زن را گرامی داشتند. "آزادی زن معیار آزادی جامعه است" و "به تبعیض علیه زنان پایان دهید" شعارهای نوشته شده بر پلاکاردهای این مراسم بود.



گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن کوهنوردان پیشرو

گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن در شهر بندر انزلی در استان گیلان



**طالبان پاکستان، خواهان پیگرد قانونی برای فعالان زنان حاضر در مراسم هشت مارس شده است.**



علی‌رغم فضای تهدیدآمیز و سرکوب علیه زنان پاکستان، آنان روز جهانی زن را با اعلام اصلی‌ترین مطالبات خود نظیر: «ضرورت سازمان‌یابی زنان» و «پایان دادن به خشونت‌های دولتی، خانگی و خیابانی» با راهپیمایی در خیابان‌ها برگزار کردند. پس از آن، طالبان با جعل تصاویر و ویدیوها، فعالان زنان را به توهین به مقدسات و کفرگویی متهم و خواستار اشد مجازات آنان شده است.

سازمان‌دهندگان راهپیمایی هشت مارس در واکنش به این تهدیدها با تنظیم بیانیه‌ای گفتند: «این ادعاها کاملاً نادرست و بخشی از یک کارزار مخرب برای ساکت کردن زنان برای بیان حقوقشان است.»

جبهه دموکراتیک زنان، یک گروه چپ فمینیستی که در سال ۲۰۱۸ فعالیت خود را آغاز کرد و یکی از اصلی‌ترین سازمان‌دهندگان راهپیمایی بود، گفت: «پرچم‌های ما- با نوارهای قرمز، سفید و بنفش - هر یک به عنوان نمادی از مطالباتمان بود. طالبان برای زمینه‌سازی سرکوب ما اعلام کرده است که این پرچم فرانسهای است که در آن شارلی ابدو منتشر می‌شود.»

فعالین زنان پاکستان ضمن رد این اتهامات، کماکان بر ضرورت سازمان‌یابی زنان و پایان دادن به خشونت‌های دولتی، خانگی و خیابانی تاکید کردند.

**گزارش مراسم ۸ مارس روز جهانی زن در اشتوتگارت - آلمان**

امروز دوشنبه ۸ مارس 2021 برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۹۹، طبق فراخوان قبلی جمعی متشکل از سازمان‌ها و احزاب جریان‌های چپ، پیشرو و مترقی از جمله: و سازمان‌های زن، حزب حکمتیست-خط رسمی و گروه زنان کوراژ (Courage) و دیگر سازمان‌ها برگزار شد.



# لغو کیه قوانین ضد زن در جامعه و کیه زندگی زنان

نشریه سازمان رهائی زن شماره 93

برگزاری مراسم هشت مارس در پاریس



برگزاری مراسم هشت مارس در الجزایر



## گزارش مراسم ۸ مارس روز جهانی زن در هامبورگ- آلمان

امروز در شهر هامبورگ آلمان تجمع هایی به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن برگزار شد. در این تجمع ها گروه ها و احزاب مختلف و تشکل ها و سازمان های زنان المانی و ایرانی شرکت داشتند



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

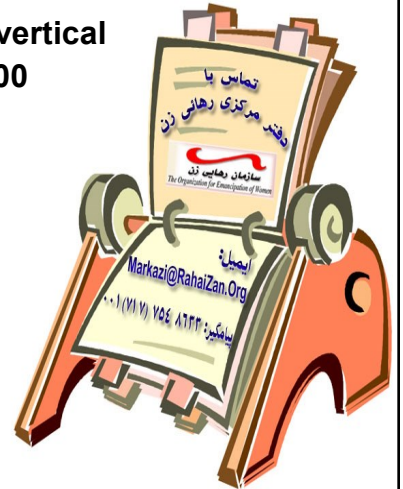
@rahaizan

تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهائی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [shararehzaei.p@gmail.com](mailto:shararehzaei.p@gmail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)